



کار آفرینی دانشگاهی، چالشهای اشتغال و شاخصهای کسب و کار

غدیر فاخر^۱
حسین قریجانلوئی^۲
وجیهه برهانی^۳

چکیده

کارآفرینی و ایجاد اشتغال بیش از هر چیز به میزان و نحوه سرمایه گذاری در آموزش عالی، تحقیق و توسعه و فضای کسب و کار یک کشور بستگی دارد. فضای کسب و کار به عنوان چارچوبی متشکل از نهادهای کارآمد (مالی، قضایی، اداری و اجتماعی)، قوانین و مقررات شفاف و باثبات و سیاستگذاری مناسب دولت، بستر لازم برای رشد پایدار اقتصادی، توسعه سرمایه گذاری، کارآفرینی و کاهش نگرانی و عدم اطمینان نسبت به آینده را تا سطح قابل تحمل برای فعالان اقتصادی فراهم می کند. از این رو مقاله حاضر در ابتدا به بررسی رابطه بین دانشگاه، کارآفرینی و اشتغال پرداخته و تشریحی از نقش دانشگاه در توسعه کارآفرینی داشته است. و در ادامه شاخص های ۱۰ گانه کسب و کار در ایران را از دیدگاه بانک جهانی مورد بررسی قرار داده است. و به ارائه مدل مفهومی جدیدی در ارتباط با قوای سه گانه و رابطه آنها با فضای کسب و کار نموده است. در پایان مقاله، موارد مذکور جمع بندی شده، و ارتباط بین شاخص های کسب و کار و توسعه کارآفرینی در دانشگاه ها بیان شده است.

کلید واژگان: کارآفرینی دانشگاهی، اشتغال، شاخصهای کسب و کار

^۱. دکتری کارآفرینی، اداره کل آموزش فنی و حرفه ای خراسان شمالی، ۰۹۱۵۳۸۶۰۷۳۱، fakher_mba@yahoo.com
^۲. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، اداره کل آموزش فنی و حرفه ای خراسان شمالی، ۰۹۱۵۹۸۶۱۴۵۸، hossein.ghrijanloye@gmail.com
^۳. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، شرکت گاز خراسان شمالی، ۰۹۳۰۴۷۴۸۹۰۰، vajihe.borhani@gmail.com



مقدمه

دانشگاهها در جهت تغییر الگوهای آموزشی و پژوهشی و تغییر مهارتها و تواناییهای دانشجویان باید به تغییرات استراتژیک در حوزه های فرهنگی، پژوهشی اقدام کنند. دانشگاهها باید استراتژی تربیت کارشناس برای بدنه دولت را تغییر داده و به تربیت افراد کارآفرین و خلاق مبادرت ورزند و این امر محقق نخواهد شد مگر اینکه دانشگاه ها خود کارآفرین باشند. به عبارتی دانشگاه کارآفرین، دانشگاهی است که در آن دانشجویان همواره به دنبال ایده های جدید و یا تکمیل ایده‌های خود هستند. در این دانشگاه افزایش توان مالی از فروش ایده های دانشجویان به صنعت ایجاد می شود، نه از طریق شهریه دانشجویی. به عبارتی این دانشگاه خروجی محور است نه ورودی محور(علی نیاز، ۱۳۸۳). در مجموع می توان گفت که از سالهای اولیه دهه ۱۹۹۰، تحقیق در خصوص آموزش کارآفرینی همچون یک رشته جدید مورد توجه قرار گرفت و مواردی نظیر توسعه روشهای تحقیقی برای سنجش اثربخشی آموزش کارآفرینی، محتوا و روشهای آموزش کارآفرینی، قابلیت افرادی که در زمینه کارآفرینی آموزش می‌بینند، قبول آموزش کارآفرینی در مدارس و نه فعالیتهای اقتصادی، وجود و توسعه یک چهارچوب علمی مشترک در زمینه کارآفرینی، اثربخشی شیوه‌های سنجش نیازهای آموزشی کارآفرینان تعلیم یافته در طول چرخه عمر شرکت را شامل می‌شده است(احمدپور، ۱۳۸۱). یعنی داشتن قابلیتهای کارآفرینانه ارثی نیست بلکه بیشتر قابل فراگیری و تعلیم بوده و قابل توسعه و گسترش از طریق فرآیند یادگیری است(Postigo & Tamborini, ۲۰۰۲). در حال حاضر آموزش کارآفرینی به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیتهای دانشگاهها تبدیل شده است. در حقیقت هدف اصلی از آموزش کارآفرینی همانا تربیت نمودن افرادی دارای اعتماد به نفس و آگاه به فرصتها، و بطور کلی افرادی است که انگیزه‌ای قوی برای استفاده از فرصتها و راه‌اندازی کسب و کارهای جدید را داشته باشند و بتوانند نسبت به شناسایی، خلق و استفاده از فرصتهای موجود اقدام نموده و از طریق کارآفرینی شرکتی و یا سازمانی، ایده‌های نو و جدید را به واقعیتهای سودآور و تجاری، در قالب کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه تبدیل کنند.

در ادبیات جدید رشد اقتصادی، نهادها و مقررات از جمله عوامل موثر بر انگیزه سرمایه گذاران و کارآفرینان در انجام فعالیت های تجاری، تلقی می شوند(Acemoglu, ۲۰۰۹). به علاوه، ثروت یک کشور با کیفیت مقررات آن مرتبط است. این در حالی است که رژیم های قانون گذاری، بومی نیستند و در بسیاری از کشورهای فقیر و در حال توسعه جهان، به شدت متأثر از سیاست های استعماری کشورهای استعمارگر می باشند. کشورهای فقیر، مقررات تجاری بیشتری دارند، در ادارات دولتی این کشورها، مقررات سنگین تر و ناکارآمدتری حاکم است که موجب کاهش بهره وری و افزایش هزینه می شود. چنین مقرراتی، باعث تشویق فعالیت های تجاری غیررسمی می گردد. ضمناً در این کشورها، حقوق مالکیت به طور نسبی کمتر است(Strobel, ۲۰۱۰). با توجه به اینکه کارآفرینی و توسعه اقتصادی بر مجموعه پیچیده ای از قوانین، زیرساخت های گسترده فیزیکی و نهادی، محیط با ثبات اقتصاد کلان، توسعه بازارهای مالی، جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی توسعه صنایع کوچک و متوسط، مقررات بازار کار، سیستم های ارتقاء فناوری، آموزش و یادگیری مبتنی است تا در مسیر تغییر دایمی ابعاد توسعه، توانایی حرکت همگام با این تغییرات را داشته باشد، و فراهم شدن این مجموعه به منظور پیاده سازی الگوی توسعه در یک اقتصاد به صورت خودکار اتفاق نمی افتد، نظام حقوقی و مقررات دولتی مربوط به فعالیت های تجاری نیز تأثیر قابل توجهی بر عملکرد بخش خصوصی می گذارد. در این مورد باید توجه داشت که گرچه سیاست های کلان، اهمیت غیرقابل تردیدی دارند، کیفیت مقررات تجاری و نهادهای مجری آنها نیز از جمله عوامل مهم تعیین کننده ی رونق اقتصادی هستند(Mcleod, ۲۰۰۷). به همین دلیل، تحقیق در مورد این که چه مقرراتی، موجب افزایش یا کاهش حجم فعالیت های تجاری می شوند، بسیار حائز اهمیت است. اصولاً فعالیت اقتصادی نیازمند قوانینی خوب و مناسب است. قوانینی که حق مالکیت را تثبیت می کنند، هزینه حل اختلافات تجاری را کاهش می دهند، قابلیت پیش بینی تعامل های اقتصادی را افزایش می دهند، از سوء استفاده ی شرکاء از یکدیگر جلوگیری می کنند. هدف از انجام چنین تحقیقی این است که مقرراتی طراحی شود که کارآمد، ساده و در اختیار همه کسانی باشد که به آنها نیازمندند(World Bank, ۲۰۰۸).



از این رو در این مقاله ابتدا به بررسی رابطه بین دانشگاه، کارآفرینی و اشتغال پرداخته، و تشریحی از نقش دانشگاه در توسعه کارآفرینی خواهد داشت. و سپس مروری بر شاخص‌های کسب و کار از دیدگاه بانک جهانی داشته، به گونه‌ای که ابتدا تبیینی از مکانیزم بررسی شاخص‌ها و سپس هر یک از شاخص‌ها در ایران را مورد بررسی قرار خواهد داد. و سعی خواهد شد تا ضمن مرور مختصر ادبیات موضوعی و موضوعات مرتبط، ابعاد مربوط مورد تحلیل قرار گرفته، و در پایان مقاله، موارد مذکور جمع بندی شده و پیشنهادات مرتبط با آن جهت بهبود شرایط کسب و کار و همچنین توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها ارائه خواهد شد.

کارآفرینی

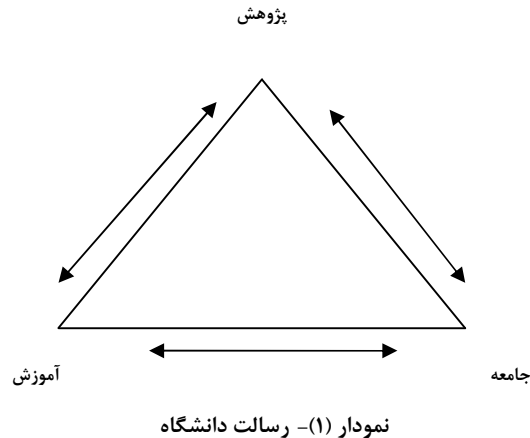
واژه کارآفرینی از ریشه فرانسوی *Entrepreneur* که مفهوم تعهد کردن کاری را در بر می‌گیرد، گرفته شده است. کارآفرین کسی است که تعهد می‌کند تا سازماندهی و مدیریت کسب و کار جدیدی را که توأم با ریسک است، بپذیرد (Kuratko, 2001). با شروع قرن هیجدهم این اصطلاح برای فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته شد. در این قالب مفهوم کارآفرین، بیش از چهار قرن مسیر تکاملی خود را پیمود. از این زمان به بعد بود که واژه کارآفرین برای فعالیت‌های متنوع و در قالب دیدگاه‌های مختلف مطرح شد (Kanka, 2003). در تاریخ توسعه اقتصادی، اقتصاددانان کلاسیک، همچون آدام اسمیت و دیوید ریکاردو نقش مهمی برای کارآفرین در توسعه اقتصادی قائل نبودند. به نظر آنان عوامل تولید، عبارتند از: سرمایه، ماشین‌آلات و نیروی کار؛ که به طور خودکار و خودتنظیم توسعه اقتصادی را موجب می‌شوند (Kanka, 2003). ژوزف شومپیتر (۱۹۳۴ میلادی) اقتصاددان برجسته، کارآفرینی را موتور محرکه‌ی توسعه اقتصادی می‌داند و از آن تحت عنوان «تخریب خلاق» یاد می‌کند. این بدان معنی است که کارآفرین تعادل ایستا را در اقتصاد تخریب و تعادل پویایی را که لازمه توسعه اقتصادی است، ایجاد می‌کند (مقیم، ۱۳۸۱). رابرت هستریچ (۲۰۰۲) یکی از بهترین تعاریف را در زمینه کارآفرینی ارائه کرده است؛ از نظر او «کارآفرینی فرایند خلق چیزی متفاوت و با ارزش از طریق اختصاص زمان و تلاش لازم برای آن است با فرض همراه بودن ریسک‌های مالی و رضایت فردی» (پرداختچی، ۱۳۸۵). پس با توجه به تعاریف ارائه شده کارآفرینی را می‌توان شناسایی، خلق و استفاده از فرصت‌ها در جامعه در قالب ارائه کالاها و یا خدمات، از طریق تأسیس یک سازمان جدید (کارآفرینی مستقل و فردی)، و یا در داخل یک سازمان موجود (کارآفرینی درون‌سازمانی)، تعریف کرد.

دانشگاه، کارآفرینی و اشتغال

در قرن بیست و یکم، *SMES* بعنوان موتور توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه، منشاء اصلی اشتغال مولد و تمهید محیط کارآفرینی، تسریع در خلاقیت و نوآوری و گشایش فرصت‌های تجاری نوین محسوب میشوند. بهر حال برای داشتن شرکت‌های بزرگ، توجه به موضوع تأسیس شرکت (*SMES*) که تا حالا کمتر مورد مطالعه قرار گرفته، لازم و ضروری است. مخصوصاً دولت‌ها در دوره‌های بحرانی توجه بیشتری به این مسئله می‌کنند و سیاست‌های خودشان را به سوی تشویق برای تأسیس شرکت‌ها با اهداف اصلی بهبود خود اشتغالی و افزایش رقابت اقتصادی، هدایت می‌کنند. شرکت‌های جدید اصلاحاتی را در روابط بازار، ایجاد می‌کنند و افزایش رقابت را بوسیله معرفی خدمات و محصولات جدید، فرایندهای جدید و تازه برای همان محصولات و خدمات، راه‌های بازاریابی جدید و غیره را مطرح می‌کند و شرکت‌ها را به داشتن یک گروه خلاقیت و ابتکار وادار می‌کند. برای تأسیس این شرکت‌ها به دو عامل نیاز است: اول یک کارآفرین بالقوه، که یک شخص با انگیزه و با استعداد برای به وجود آوردن فرایند، و همچنین محیط مساعد برای تأسیس شرکت (Ibid, 2001). تأسیس شرکت نتیجه شرایط نامطلوب در زندگی کارآفرین است که این شرایط شامل بیکاری، وجود شرایط ناامن کاری و استخدامی، فقدان پیشرفت کاری و غیره است. تأسیس شرکت، رهایی از این شرایط نامطلوب است و شخص را به سوی کارآفرینی پیش می‌برد، کارآفرین می‌خواهد



چیزهایی را که برای او کشش انگیزه ای دارد انجام دهد (Jean Baptiste, ۲۰۰۱). متداول‌ترین وظیفه دانشگاه‌ها از هنگام ظهور، انتقال دانش و اجرای طرح‌های پژوهشی بوده است. این در حالی است که به باور صاحب‌نظران، دانشگاه‌های امروز باید نقش عمده‌ای را در ارائه ابتکارات و رفع تنگناهای محلی و بطور کلی رشد اقتصادی (از طریق تعامل مؤثر صنعت و دانشگاه) ایفا نمایند. این عرصه نسبتاً جدید همان رسالت سوم دانشگاه‌هاست. بنابراین رسالت‌های دانشگاه عبارتند از: آموزش، تحقیق و جامعه. هریک از این سه عنصر با یکدیگر در ارتباط هستند و رابطه آنها دو طرفه است. شکل زیر آن را بطور کامل نشان می‌دهد (Ussman, ۱۹۹۸).



تشریح نقش دانشگاه در توسعه کارآفرینی و اشتغال

بارتون کلارک معتقد است که دانشگاه‌های پویا در قرن بیست و یکم دانشگاه‌هایی هستند که کارآفرین بوده و بتوانند ارزش‌های تخصصی و مدیریتی را تلفیق نمایند. وی همچنین اظهار می‌دارد که هدفمند کردن فعالیت‌ها، ایجاد توازن میان پژوهش‌ها، آموزش و خدمات اجتماعی و تنوع در تامین بودجه، از جمله ویژگی‌های بارز دانشگاه‌های پویا در قرن جدید است (آراسته، ۱۳۸۲).

دانشگاه در توسعه فعالیت‌های کارآفرینی از دو راه می‌تواند مشارکت کند: شرکت کردن در فعالیت‌هایی که دانشجویان را بطور مستقیم وارد مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی می‌کند و همچنین طراحی دوره تحصیلاتی که دانشجویان را برای تأسیس شرکت‌ها آماده می‌کند. اخیراً بعضی دانشگاه‌ها در یکسری فعالیت‌هایی که محدود به ایجاد شرکت هستند، مشارکت می‌کنند: پارک‌های دانش، مراکز ابتکار و خلاقیت و مراکز پرورش تجارت و کسب و کار، تأسیس شرکت‌ها (SMEs) بر مبنای تکنولوژی‌های جدید نیازمند این است که انتقال تکنولوژی از دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقات به صنعت تسهیل شود و این آغاز همکاری بین دانشگاه و صنعت است. انتقال دانش مهم است ولی در کنار آن، انتقال مهارت‌ها، شایستگی‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها نیز مهم است. آموزش نمی‌تواند تنها یک راه ساده از دانش‌های گذشته سیستماتیک باشد، آموزش باید راهی باشد برای توسعه مهارت‌هایی که نسل جوان در آینده به آن نیاز خواهد داشت. اگر ما بخواهیم کارآفرینی را در نسل جوان رواج دهیم باید بطور متفاوت از آنچه به آنها آموزش می‌دادیم، تعلیم دهیم (Ussman, ۱۹۹۸). جوهرانیسون ۱ مجموعه‌ای از شایستگی‌ها و صلاحیت‌های مورد نیاز برای کارآفرین بودن را پیشنهاد کرد. در زیر برخی پیشنهادها برای بهبود و ترویج کارآفرینی در دانشگاه‌ها آمده است:

¹Johannisson



- ♦ ایجاد تغییرات اساسی در دوره های تدریس و محتوای آموزش در کلیه مقاطع تحصیلی به گونه ای که موجب ایجاد خلاقیت و نوآوری در فراگیران شود.
- ♦ ایجاد دوره های آموزش کارآفرینی در مقاطع تحصیلی مختلف به ویژه راه اندازی رشته های کارآفرینی در دانشگاه ها، که به عنوان نمونه می توان از رشته هایی مانند کارآفرینی سازمانی، اقتصاد کارآفرینی، توسعه و آزمایش مفهوم کارآفرینی، بازاریابی، مدیریت تولید و توسعه و تاسیس شرکت های جدید نام برد.
- ♦ دووک براین باور است که دانشگاه ها باید با تاسیس نهادهای مختلف (پارک های فناوری)، در سایه همکاری و با ایجاد شبکه های ارتباطی، از کارآفرینی در دانشگاه ها حمایت کنند (Duke, ۲۰۰۲).
- ♦ یک برنامه آموزشی ایجاد شود که آن برنامه مکانی برای تحقیق و بررسی فرصتهای تجاری باشد و دانشجویان یک برنامه تجاری را استاندانه بسازند. ساختن یک برنامه تجاری دانشجویان را وادار می کند تا اطلاعات مورد نیاز را در پیرامون خود جستجو کنند و آنها را مجبور به ترکیب و بکار بستن آنها می کند.
- ♦ مشارکت کارآفرینان در کلاس ها نیز مهم است. این موضوع را نایت ۱ پیشنهاد کرد. استفاده از دانشجویان سابق که وضعیت کارمندی را رها کردند و کارآفرین شده اند و استفاده از مطالعات موردی درباره کارآفرینی، پیشنهاد شده است. دیدن دانشجویان سابق که حالا کارآفرین شده اند می تواند مدل و الگویی برای دانشجویان فعلی باشد.
- ♦ فرهنگ سازی و آگاه سازی جامعه بالاخص محیط های دانشگاهی در مورد کارآفرینی، کارآفرینان و نقش آنها در رونق اقتصادی و رفاه.
- ♦ یکی از مهمترین و فوری ترین محورهای پژوهشی در این باره این است که برای راه اندازی رشته کارآفرینی در دانشگاه ها، مشخص شود که چه موضوعاتی در دوره آموزش کارآفرینی باید تدریس شود. دانشگاه ها برحسب ویژگی گروه های مختلف آموزشی خود و نیازهای محلی و منطقه ای می باید برنامه آموزشی خاص را طراحی نمایند.

شاخص های کسب و کار از دیدگاه بانک جهانی

بانک جهانی برای محاسبه شاخص های کسب و کار از یک تیم کارشناسی متشکل از ۶۷۰۰ نفر خبره محلی در سراسر جهان استفاده می نماید. در این تیم کارشناسانی از رشته های مختلف حضور دارند همچون حقوق دانان و وکلا، مشاورین اقتصادی، حسابداران، کارشناسان حمل و نقل بین المللی، مقامات دولتی و ... افراد این تیم حسب نیاز از کشورهای مختلف بازدید می نمایند. مثلا برای سال ۲۰۰۹ این تیم از ۷۳ کشور بازدید نموده است که در چک نمودن، اصلاح و آزمون نتایج بدست آمده بسیار مفید بوده است (Doing Business, ۲۰۱۰). در محاسبه این شاخص توسط تیم عامل از ۱۰ شاخص مجزا بشرح زیر استفاده می شود:

شروع یک حرفه شامل فرایندها، زمان، هزینه، حداقل سرمایه لازم (در قالب یک تیم ۱۱۶۶ نفره)

پیگیری مجوزهای ساخت و ساز شامل فرایندها، زمان، هزینه اخذ مجوز و .. (در قالب یک تیم ۷۳۹ نفره)

استخدام کارگر شامل شاخص سختی استخدام، مشکلات مربوط به ساعات کاری، تبعات اخراج کارگران (در قالب یک تیم

۸۱۰ نفره)

ثبات دارایی شامل فرایندها، زمان، هزینه ثبت و انتقال و ... (در قالب یک تیم ۹۰۷ نفره)

دریافت اعتبارات شامل شاخص استحکام قوانین مربوط به مالکیت و ... (در قالب یک تیم ۱۰۳۳ نفره)

حمایت از سرمایه گذاران شامل شاخص مربوط به شفافیت، تعهد بنگاهها نسبت به سهامداران و ... (در قالب یک تیم ۶۵۳

نفره)



پرداخت مالیات شامل تعداد پرداختهای مالیاتی، سهم مالیات از سود، زمان محاسبه و پرداخت مالیات(در قالب یک تیم ۸۶۲ نفره)

تجارت با آنسوی مرزها شامل مستندات، زمان و هزینه موردنیاز برای صادرات و واردات(در قالب یک تیم ۸۱۷ نفره)
الزام قراردادها شامل فرایندها، زمان و هزینه حل و فصل یک پرونده کاری در دادگاه(در قالب یک تیم ۷۶۷ نفره)
پایان دادن به یک حرفه شامل نرخ وصول و استرداد وجوه در شرایط ورشکستگی(در قالب یک تیم ۷۲۷ نفره)
لازم بذکر است هر یک از معیارهای فوق با توجه به مستندات و مطالعات علمی مستدل انتخاب شده اند. با توجه به اعلام محاسبه کنندگان این شاخص، اطلاعات تهیه شده توسط تیم تحقیق در قالب روشهای آنها اطمینان حاصل شود و روشهای آماری مختلف مورد آزمون قرار می گیرند، تا از استحکام معمولاً تلاش می شود در هر سال حتی با استفاده از روشهای جدید به درجه صحت و قابلیت اعتماد ارقام افزوده شود، بطور کلی در هر سال بطور متوسط در قالب گزارش Doing Business حدود ۸۹۰۰ شاخص منتشر می شود که این حجم از شاخصها از بیش از ۵۲۰۰۰ قلم اطلاعاتی که توسط تیم مشاوران تهیه و تولید می شود استخراج می گردد.

در رتبه بندی تازه منتشر شده که مربوط به سال ۲۰۱۰ می باشد، فضای اقتصادی و سهولت کسب و کار در ۱۸۳ کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

شاخص های کسب و کار در ایران

۱. قوانین مربوط به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، ضرورت بهبود شاخص سهولت "شروع کسب و کار"
نخستین شاخص مورد محاسبه، شاخص سهولت شروع کسب و کار است، که کشورمان رتبه ۴۸ را در میان ۱۸۳ کشور جهان داراست و همچنین بهترین وضعیت را در میان سایر شاخص های ایران دار می باشد و بر اساس بررسیهای بانک جهانی، هشت مرحله برای شروع یک کسب و کار در ایران سپری می شود که طی آنها ۴۷ روز تقویمی را به خود اختصاص می دهد. هزینه ای که یک سرمایه گذار برای شروع کسب و کار خود باید بپردازد ۴/۶ درصد درآمد سرانه ایران (۳۴۰۰ دلار برای سال مورد بررسی) و حداقل سرمایه مورد نیاز یک درصد درآمد سرانه است(بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۷). بهبود این شاخص و عوامل موثر بر آن بر عهده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قرار داده شده، و قرار است این سازمان در کوتاهترین مدت، با کاهش زمان انتشار ثبت شرکت ها به هشت روز، به حداقل رساندن فرآیند ثبت از طریق اعمال اتوماسیون اداری، کاهش زمان مربوط به انتشار آگهی در روزنامه رسمی، کاهش مراحل مربوط به حسابداری بانک، اقدامات پستی این شاخص را بهبود ببخشد. همچنین تدوین قانون جدید مرتبط با ثبت شرکتها از برنامه های بلند مدتی است که برای ارتقاء وضعیت فعلی کشور در این حوزه انجام شود(World Bank, ۲۰۱۰).

۲. قوانین مربوط به نقش شهرداری در ارتقاء رتبه شاخص " اخذ مجوز"
شاخص دوم، شاخص سهولت اخذ مجوزها برای ساخت یک انبار تجاری است. که از این نظر در میان ۱۸۳ کشور در رتبه ۱۴۱ قرار داریم که در واقع بدترین رتبه در میان سایر شاخص هاست. بررسی های بانک جهانی نشان می دهد، اخذ مجوزها برای ساخت یک انبار صنعتی در ایران به طی ۱۹ فقره، زمانی در حدود ۶۷۰ روز کاری و پرداخت هزینه ای معادل، ۲/۵۱۴ درصد درآمد سرانه نیاز دارد(World Bank, ۲۰۱۰).

۳. قوانین مربوط به موسسه کار و تأمین اجتماعی وزارت کار و بهبود شاخص "اشتغال"
سومین شاخص که خود ترکیبی از شاخص های متعدد و مختلف است و ایران نیز در آن از جایگاه خوبی برخوردار نیست، شاخص اشتغال است که رتبه کشورمان در این شاخص ۱۳۷ است و بنابراین باید موسسه کار و تأمین اجتماعی به عنوان متولی بهبود این شاخص تلاش فشرده و فراوانی برای ارتقای جایگاه کشورمان در این حوزه انجام دهد و شاخص اشتغال از بررسی سه عامل سختی اشتغال، هزینه غیر دستمزدی کارکنان و هزینه اخراج بر حسب دستمزد هفتگی محاسبه می شود. شاخص



سختی اشتغال نیز خوداز سه زیر شاخه دشواری استخدام، انعطاف پذیری ساعات کار و دشواری اخراج حاصل می شود. امتیاز شاخص دشواری استخدام کشور ما ۱۱ از ۱۰۰، امتیاز انعطاف پذیری ساعت کار ۶۰ از ۱۰۰ و امتیاز دشواری اخراج ۵۰ از ۱۰۰ برآورد شده، بنابراین در مجموع شاخص سختی اشتغال امتیازی معادل ۴۰ از ۱۰۰ را کسب کرده است. بنا بر محاسبات بانک جهانی در ایران هزینه غیر دستمزدی کارکنان نیز ۲۳ درصد کل دستمزد و هزینه اخراج بر حسب دستمزد هفتگی هم معادل دستمزد ۹۱ هفته است (World Bank, ۲۰۱۰).

۴. قوه قضائیه و بهبود شاخص "ثبات اموال"

شاخص ثبات اموال توسط قوه قضائیه به عنوان چهارمین عامل موثر در شاخص فضای کسب و کار، شاخصی است که کشورمان از میان ۱۸۳ کشور در رتبه ۱۵۳ قرار دارد. بررسی های موسسه مالی بین المللی نشان می دهد ثبات اموال یک شرکت در ایران به طی ۹ مرحله اداری، صرف ۳۶ روز کار و پرداخت هزینه ای معادل ۱۰/۶ درصد ارزش اموال نیاز دارد. از این رو قوه قضائیه به صورت اعم و معاونت حقوقی و توسعه قضائی آن به طور اخص اقدامات متعددی مانند تنظیم قراردادهای نمونه و فرمهای خرید و فروش به صورت آزمایشی در دفتر ثبت املاک و تعمیم قراردادهای فرمهای خرید و فروش و بر خط کردن آنها را در دستور کار قرار دارد (World Bank, ۲۰۱۰).

۵. قوانین مربوط به بانک مرکزی و شاخص سهولت "اخذ اعتبارات بانکی"

اخذ تسهیلات و اعتبارات بانکی در حکم نبض حیاتی بنگاه ها و فعالیتهای اقتصادی بخش خصوصی است و میزان سهولت سرعت دسترسی به این تسهیلات یکی از محوری ترین شاخص های یک فضای کسب و کار در اقتصاد هر کشور است که خوشبختانه این شاخص در میان سایر شاخص های موثر در فضای کسب و کار با قرار گرفتن در رتبه ۱۱۳ از وضعیت نسبتا مناسبتری برخوردار است. در محاسبه این شاخص به بررسی شاخص قدرت حقوقی قانونی (ارتباط وام گیرنده و وام دهنده با وثایق، ورشکستگی و ... در قانون) شاخص علنی بودن اطلاعات اعتباری، میزان پوشش اطلاعات مالی افراد توسط بخش دولتی برحسب تعداد بزرگسالان و میزان پوشش اطلاعات مالی افراد توسط بخش خصوصی برحسب درصدی از تعداد بزرگسالان پرداخته می شود (World Bank, ۲۰۱۰).

۶. حمایت قضایی از سرمایه گذاران^۱، شاه کلیدی که در دست قوه قضائیه است

حمایت قضایی از سرمایه گذاران یکی از حلقه های کلیدی و مهم در زنجیره بهبود فضای کسب و کار در اقتصاد است، چرا که بدون احساس امنیت لازم از سوی سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی انگیزه بر حضور در اقتصاد و فعالیت در آن از بین می رود و از این رو معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه ماموریت یافته رتبه ایران در این شاخص را از ۱۶۵ به جایگاهی مناسبتر برساند و کار گروه های مربوطه در حال تدوین برنامه های لازم در این زمینه برای اجرا در بازه زمانی کوتاه مدت هستند، ولی نکته اساسی در این زمینه که ذیل اقدامات بلند مدت تعریف می شود، روشن کردن این وضعیت بنا بر بررسی های بانک جهانی است که امتیاز ایران در شاخص افشای فعالیتهای مالی و دسترسی سهامداران جزء به این اطلاعات پنج از ۱۰ است (World Bank, ۲۰۱۰).

۷. قوانین مربوط به سازمان مالیاتی و شاخص "مالیات"

رتبه ایران در شاخص پرداخت مالیات در میان ۱۸۳ کشور ۱۱۷ است؛ مالیات در این شاخص شامل مالیات بر درآمد شرکتهای، مالیات مشاغل و مالیات بر ارزش افزوده می شود. بنا بر بررسی های صورت گرفته هر مودی مالیاتی برای پرداخت مالیات خود باید ۲۲ مرحله را طی و معادل ۲۹۲ ساعت کاری در سال زمان صرف کند. کل مالیات قابل پرداخت، کل مبالغ مالیات و هزینه های اجباری تامین اجتماعی در سال دوم نیز معادل ۴۴ درصد سود مودی مالیاتی است (World Bank, ۲۰۱۰).

^۱ Protecting Investors



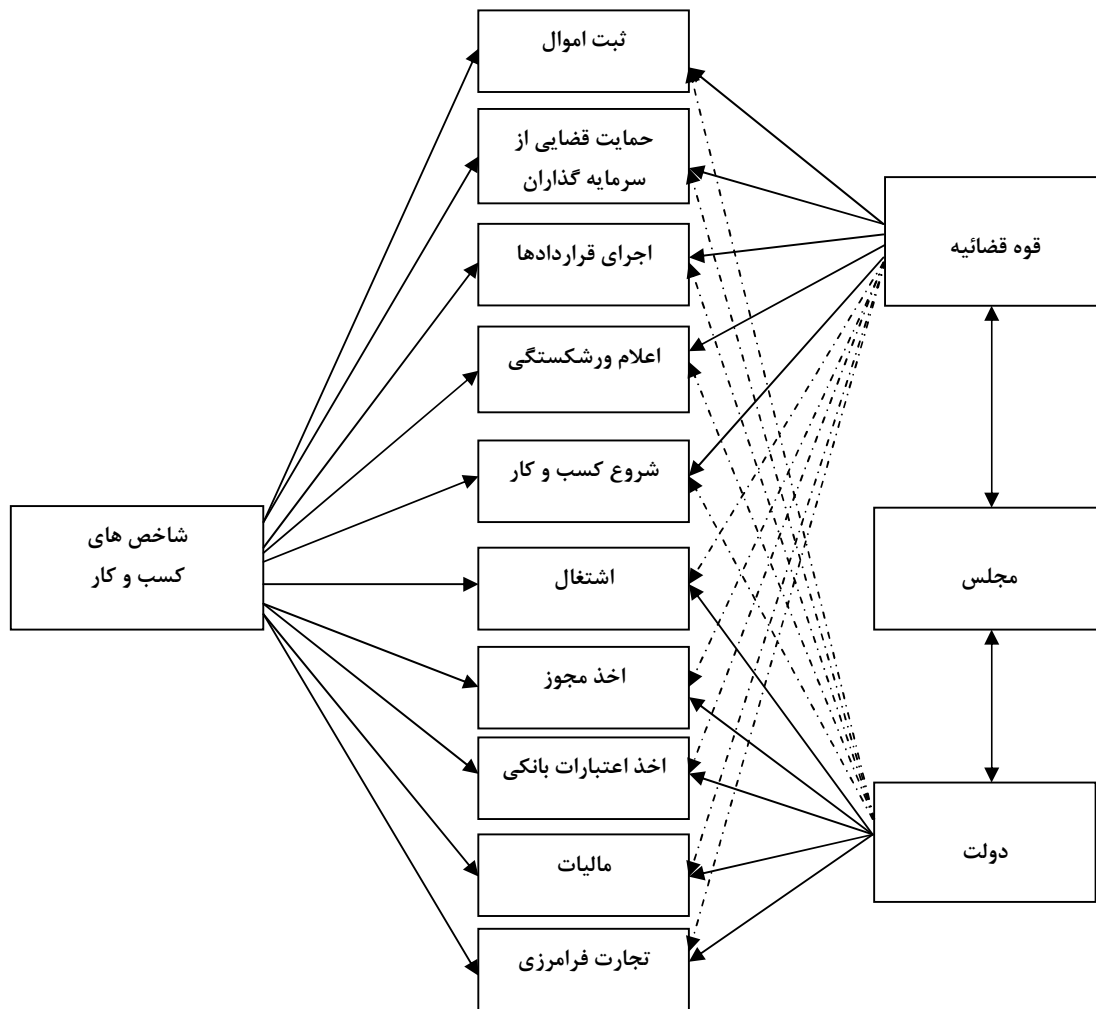
۸. قوانین مربوط به سازمان توسعه تجارت و توسعه شاخص "تجارت فرامرزی" سازمان توسعه تجارت کشور به عنوان متولی بحث تجارت فرامرزی که یکی از شاخص های فضای کسب و کار است، در حال برنامه ریزی برای بهبود رتبه ۱۳۴ ایران است. گزارش های بانک جهانی نشان می دهد یک صادر کننده در ایران برای صادرات نیاز به تهیه هشت سند و پرداخت هزینه ای برابر ۱۰۱۱ دلار بر حسب دلار به کانتینر و صرف ۲۶ روز کاری دارد. اسناد مورد نیاز برای واردات ۱۰ فقره، تعداد روزهای کاری مورد نیاز ۴۲ روز و هزینه پرداختی بر حسب دلار به کانتینر ۱۶۵۶ دلار است (World Bank, ۲۰۱۰).

۹. شاخص "اجرای قراردادها"۱، سومین نقش قوه قضائیه در بهبود فضای کسب و کار شاخص اجرای قرارداد یا لازم الاجرا شدن قراردادها رتبه ۵۳ را داراست با این حال معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه موظف به بررسی عملکرد قضاوت پرونده ها به صورت بر خط در ۳۰ مرکز استان کشور و برقراری امکان دسترسی به تمام پرونده ها به صورت بر خط در کوتاه مدت شده است. گزارش های بانک جهانی نشان می دهد تعاملات دو طرف دعوا و دادگاه ایران به ۳۹ مرحله می رسد، از زمان تشکیل پرونده تا پرداخت خسارت ۵۲۰ روز طول می کشد و معادل ۱۷ درصد ارزش شکایت نیز به عنوان رسیدگی به آن باید پرداخت شود (World Bank, ۲۰۱۰).

۱۰. نقش قوه قضائیه در شاخص "اعلام ورشکستگی" شاخص سهولت تعطیل کردن کسب و کار دهمین و آخرین شاخص مورد بررسی در شاخص فضای کسب و کار کشورهاست، که ایران در آن رتبه ۱۰۹ را داراست و بنا بر بررسی های بانک جهانی در کشورمان از ابتدای تشکیل پرونده برای تعطیل کسب و کار (اعلام ورشکستگی) تا تسویه حساب کامل با طلبکاران ۴۵ سال طول می کشد ۹ درصد ارزش اموال بنگاه در قالب هزینه های قانونی در مراحل مختلف خرج می شود همچنین طلبکاران تا ۲۳ درصد از ارزش اموال شرکت ورشکسته را به جای مطالبات اخذ می کند. برای بهبود وضعیت این شاخص هم معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه با تشکیل کار گروهی در نظر دارد و در بلند مدت نسبت به مکانیزه شدن فرآیند ثبت املاک و اموال و برقراری دادگاههای اختصاصی تجاری اقدام کند (World Bank, ۲۰۱۰).

مدل ارتباط قوای سه گانه و شاخص های فضای کسب و کار

مدل مورد نظر نحوه ارتباط قوای سه گانه و شاخص های کسب و کار را بیان می دارد، به گونه ای که قوه قضائیه ارتباط مستقیمی با ۵ شاخص ثبت اموال، حمایت قضایی، اجرای قراردادها، اعلام ورشکستگی و شروع کسب و کار دارد. و همچنین با شاخص های دیگر باقی مانده ارتباطاتی غیر مستقیم دارد. دولت نیز در این راستا ارتباطات مستقیمی با ۵ شاخص اشتغال، اخذ مجوز، اخذ اعتبارات بانکی، مالیات و تجارت فرامرزی دارد. و با شاخص های دیگر نیز به صورت غیر مستقیم در ارتباط است. و اما مجلس شورای اسلامی با وظایف نظارتی و قانون گذاری خود ارتباط مستقیمی با قوه مجریه و قضائیه خواهد داشت.



مدل (۱): ارتباط قوای سه گانه با شاخص‌های کسب و کار

ارتباط توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها و شاخص‌های کسب و کار

از آنجا که کشور ما یک کشور جوان است، بنابراین یکی از بزرگترین چالش‌های آن، بحران بیکاری است. بسیاری از جوانان که در دانشگاه‌ها و مراکز علمی مشغول به تحصیل هستند نیازمند اشتغال اند، از این رو توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها و توجه به آموزش‌های مرتبط با آن از ضروریات است. اما با نگاهی به جایگاه ایران در شاخص‌های کسب و کار، وضعیت و جایگاه نه چندان مطلوب کشورمان در رتبه بندی‌های اعلام شده از سوی بانک جهانی در تازه‌ترین آمارها (جدول ۱)، نوید بخش شرایطی سخت و دشوار برای توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها می‌باشد.



جدول ۱. جایگاه ایران در میان ۱۸۲ کشور جهان از نظر فضای کسب و کار (منبع: بانک جهانی ۲۰۱۰)

رتبه	شاخص
۱۳۷	فضای انجام کسب و کار
۴۸	شروع کسب و کار
۱۴۱	اخذ مجوز
۱۳۷	اشتغال
۱۵۳	ثبات اموال
۱۱۳	اخذ اعتبارات بانکی
۱۶۵	حمایت از سرمایه گذاران
۱۱۷	مالیات
۱۳۴	تجارت فرامرزی
۵۳	اجرای قراردادهای
۱۰۹	اعلام ورشکستگی

هر یک از دانشجویان برای توسعه کسب و کار خویش به نحوی با هر یک از شاخص‌های مربوطه برخورد داشته و با مشکلات بسیاری رو به رو خواهند گشت. که همین امر خروجیهای افراد کارآفرین دانشگاهها را بسیار کاهش خواهد داد. لذا به دنبال ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام معظم رهبری که مبنای توسعه بخش خصوصی شمرده می‌شود، لزوم اصلاح فضای کسب و کار در اسرع وقت در زمره اولویتهای اصلاح ساختار قوانین اجرایی قرار می‌گیرد. به این ترتیب لازم است قوای سه‌گانه کشور با هماهنگی لازم به ایجاد زیرساختهای نهادی و زیربنایی برای توسعه و رفع موانع کسب و کار همت گمارند. و همچنین موانع موجود بایستی مدیران و مسئولان مربوط را بر آن دارد تا با ساماندهی حرکت‌های کوتاه مدت و ضربتی و برنامه ریزی برای دوره‌های بلندمدت تلاشی گسترده را برای بهبود رتبه ایران در بررسی‌های دوره‌آنی آغاز کنند. در غیراینصورت اقتصاد در شرایط نابرابر رقابت دولت با بخش خصوصی رونق نمی‌گیرد. بدیهی است این رقابت فقط با شکست انحصارات دولتی و ایجاد فضای مناسب برای فعالیت بخش خصوصی قابل شکل‌گیری است و گرنه نتیجه عملی طرح‌هایی چون توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها، جز موفقیت‌های زودگذر و تقبل هزینه‌های گزاف به چیز دیگری نخواهد انجامید.

بحث، نتیجه‌گیری و ارائه‌ی پیشنهادات

کارآفرینی و ایجاد اشتغال بیش از هرچیز به میزان و نحوه سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و تحقیق و توسعه کشور بستگی دارد. تحولات تکنولوژیک، رقابت جهانی و مشکلات منطقه‌ای، ما را بر آن می‌دارد که رویکردهای خود را در تحقیق و توسعه مورد بازنگری قرار دهیم. توسعه اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی مردم، بدون سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه امکان پذیر نخواهد بود. رسالت آموزش عالی شامل آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی است. ایجاد توازن بین این عناصر پویایی دانشگاه را به همراه خواهد داشت. تحقیقات متناسب با نیازهای جامعه و اجرای یافته‌های پژوهشی، نوآوری و اشتغال را به همراه خواهد داشت. اما دستیابی به موفقیت‌های عملی در توسعه کارآفرینی در دانشگاهها ممکن نخواهد بود، مگر اینکه بهبود فضای کسب و کار در ایران و شاخص‌های ۱۰ گانه آن در اولویت قرار گیرد. از این رو رسالت دانشگاه‌ها ابتدا شناساندن اهمیت و ضرورت بهبود فضای کسب و کار برای دستگاه‌های اجرایی خواهد بود.

مستند به موارد ذکر شده در متن مقاله می‌توان پیشنهادات کاربردی قابل توجهی در رابطه با موضوع مربوطه ارائه داد که

عبارتند از:

- آزادسازی و خصوصی سازی.



- توجه ویژه به بهبود فضای کسب و کار در ایران.
- علی‌رغم کاستی‌های موجود در فضای کسب و کار نظام آموزشی کشور باید به سمتی حرکت کند که فارغ‌التحصیلان آنها، افرادی خلاق و با شهامت در تصمیم‌گیری و بطور کلی دارای ویژگی‌های کارآفرین باشند. باید شرایط را برای ترغیب دانشجویان به کارآفرینی بوسیله برگزاری دوره‌های آموزشی کارآفرینی، برگزاری سمینارهایی در زمینه کارآفرینی، معرفی کارآفرینان و غیره فراهم کنند.
- توجه و تمرکز بر فعالیتهای آموزشی، پژوهشی، ترویجی و مشاوره‌ای مراکز کارآفرینی و فعالیتهای مرتبط آنان جهت بهبود امر کارآفرینی در دانشگاه‌ها.
- فراهم نمودن حمایت‌های لازم مرتبط با توسعه سطوح فعالیتهای کارآفرینانه در مراکز کارآفرینی و پارک‌های علمی در دانشگاه‌ها نظیر حمایت‌های مالی، کاهش مقررات، آسان‌سازی ایجاد کسب‌وکارها و غیره.

منابع:

- آراسته، حمیدرضا، (۱۳۸۲)، کارآفرینی و آموزش عالی: اصول و موانع، مجله‌ریافت، شماره ۲۹، ص ۱۳-۵
احمد پور، محمود، (۱۳۸۱)، کارآفرینی، تهران: انتشارات پردیس.
بانک مرکزی ایران (۱۳۸۷)، بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های فضای کسب و کار در ایران و جهان، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۳۰.
پاداش، حمید (۱۳۸۸)، سهولت کسب و کار در ایران گزارش بانک جهانی در مورد فضای کسب و کار ایران در سال ۲۰۱۰، گروه مطالعات فضای کسب و کار، کدموضوعی ۲۹۰، شماره مسلسل ۱۰۱۳۸.
پرداختچی، محمد حسن، و شفیق زاده، حمید، (۱۳۸۵)، درآمدی بر کارآفرینی سازمانی، تهران، انتشارات ارسباران.
مقیم، سید محمد، (۱۳۸۱)، کارآفرینی موضوعی میان رشته‌ای و فراگیر، ماهنامه بازاریابی، شماره ۲۲.
کلانتر کاشی، ندا (۱۳۸۸)، بررسی شاخص‌های آزادی اقتصادی، فساد و کسب و کار ایران و کشورهای منتخب، دفتر آمار و اطلاعات، شماره ثبت مرکز اسناد ۸۸ / ۸۳۸ / ۱۲ / ۲ / ۸۸.

Acemoglu, D. (۲۰۰۹), Introduction to Modern Economic Growth, Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
Doing Business ۲۰۱۰, Iran, Islamic Rep Constraints, Working Paper AED-EAL-۲۰۰۷-۳
Duke, C.(۲۰۰۲). "The Morning after the Millennium: Building the Long-Haul Learning University", International Journal of Lifelong Education, vol ۲۱(۱)
Kanka .S (۲۰۰۳) Entrepreneurial Development. New Delhi: C hand and company Lt, pp. ۱-۱۴.
Kuratko Donald and Hodgetts Richard (۲۰۰۱) Entrepreneurship: a contemporary approach Philadelphia. Harcou College Publishers.
McLEOD, Ross H(۲۰۰۷), Doing Business in Indonesia: Legal and Bureaucratic.
Postigo, S. & Tamborini, M. F., (۲۰۰۲), Entrepreneurship Education in Argentina: The case of San Andrés University, Paper presented for the Internationalizing Entrepreneurship Education and Training Conference- Int. Ent, Malasya, July ۸-۱۰.
Stoner James & Freeman Edward & Gilbert Daniel (۱۹۹۵) Management New Jersey: Prentice- Hall.
Ussman, Ana Maria.(۱۹۹۸)."University and Entrepreneurship Development", Academy of Business & Administrative Science(ABAS), International Conference- Budapest, Hungary.